تقدیم به:

امیدها و همگان

این سرزمین



با خضر راه شو طوبای علم

مهر ۱۴۰۱

با خضر راه در طور علم

مشخصات کتاب

سرشناسه : درستی مطلق، مرجان، 1348 -

عنوان و نام پدیدآور : باخضر راه در طور علم/مولف مرجان درستی مطلق.

مشخصات نشر : تهران: مرجان درستی مطلق، 1391.

مشخصات ظاهری : 50 ص.؛ 17×11س م.

شابک : 978-964-04-8922-2

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : خضر، پیامبر -- داستان

موضوع : موسی، پیامبر یهود -- داستان

موضوع : قرآن -- قصه ها

رده بندی کنگره : BP88/4/د4ب2 1391

رده بندی دیویی : 297/156

شماره کتابشناسی ملی : 2946351

ص: 1

اشاره

ص: 2

ص: 3

بسم الله الرحمن الرحیم

با خضر راه

در طور علم

ص: 4

ص: 5

عنوان: با خضرراه در طورعلم

مولف: مرجان درستی مطلق

طراح جلد: مهندس علیرضا مصلح کیا

تایپ و صفحه آرایی: مهندس زینب دهقانی فرد

نوبت چاپ: اول – 1391

قیمت:

تلفن مرکز پخش: 09192969462

با قدردانی از خانم مریم جلیلوند، خانم فاطمه سادات قطبی و خانم عاطفه سرامگر که در به ثمر رسیدن این اثر ما را همراهی کردند.

ص: 6

تقدیم به استاد بی نظیرهستی آنکه معلم فرشتگان است و مسجود مقربان درعرش سبحان

تقدیم به شما آقای بی همتایم که می دانم به یقین به همین زودی ها انشاءالله به اذن الهی خواهی آمد

وچه بی اندازه خواستنی و خوش است در محضرت زانو برزمین زدن

وصوت وتفسیرقرآن زتو دلربا شنیدن

اللهم ارزقنا یا خیرالرازقین

ص: 7

مقدمه

قصّه های نورانی قرآن عزیز درسنامه ناب زندگی است؛ هر حکایتش، حکمتی و هر اشاره اش، هدایتی است. قصّه آموختن حکمت عملی در محضر خضر و موسی (سلام الله علیهما)، آموختن آداب علم آموزی و وظایف استاد و شاگرد به خصوص در محضر فرزانگان علم آموخته از سرچشمه های علم لدّنی است.

اینک در پیشگاه قرآن کریم به رسم شاگردی زانوی ادب بر زمین می گذاریم تا شاید از آن همه حکمت های سماواتی و اشارت های ولایتی، دّری ناب در صدف جان ما نیز بنشانند.

به امید آنکه بزودی زود، به اذن خداوند سبحان، به دست بزرگ معلم خضر وموسی(سلام الله علیهما) حضرت صاحب الامر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، پرده ها از اسرار غیب کنار روند و حقایق شکوهمند و تدابیر هوشمند خلقت، در نهایت جلوت برای ما هویدا گردد.

انشاءالله تعالی

ص: 9

بسم اللّه الرّحمن الّرحيم

. . . فَارْتَدَّا عَلَى آثَارِهِمَا قَصَصاً * فَوَجَدَا عَبْداً مِنْ عِبَادِنَاآتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّآ عِلْماً . . .

ص: 10

معنی آیات 60 الی 82 سوره مبارکه کهف :

و (یاد کن) هنگامی را که موسی به جوان (همراه) خود گفت :" دست بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسم، هر چند سال ها (ی سال) سیر کنم."

پس چون به محلّ برخورد دو (دریا) رسیدند، ماهی خودشان را فراموش کردند، و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت (و رفت).

و هنگامی که (از آنجا) گذشتند (موسی) به جوان همراه خود گفت :"غذایمان را بیاور که راستی ما از این سفر رنج بسیار دیدیم. "

گفت: "دیدی؟ وقتی به سوی آن صخره پناه جستیم، من ماهی را فراموش کردم، . جز شیطان، (کسی) آن را از یاد من نبرد، تا به یادش باشم، و به طور عجیبی راه خود را در دریا پیش گرفت."

گفت: "این همان بود که ما می جستیم. " پس جستجو کنان ردّ پای خود را گرفتند و برگشتند.

ص: 12

پس بنده ای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خویش بخشایشی داده بودیم و او را از نزد خود دانشی آموخته بودیم.

موسی به او گفت: آیا [اجازه می دهی که] تو را پیروی کنم بر اینکه مرا از آنچه به تو آموخته اند بیاموزی تا به راه راست و کمال راه یابم؟

گفت: تو همراه من نتوانی شکیبایی کرد، و چگونه بر آنچه بدان آگاهی و دانشی نداری شکیبایی کنی؟گفت: اگر خدا خواهد مرا شکیبا خواهی یافت و تو را در هیچ کاری نافرمانی نکنم.

گفت: اگر از من پیروی خواهی کرد، پس مرا از چیزی مپرس تا خود برای تو سخنی از آن پدید آرم. پس برفتند تا آنگاه که به کشتی سوار شدند، آن را سوراخ کرد. [موسی] گفت: آیا آن را سوراخ کردی تا مردمش را غرق کنی؟ بی گمان کاری ناروا و شگفت کردی. گفت: نگفتم که تو همراه من نتوانی شکیبایی کرد؟ گفت: مرا بدانچه فراموش کردم بازخواست مکن و کارم را بر من سخت مگیر.

ص: 14

پس روانه شدند تا آنگاه که نوجوانی را دیدار کردند و او را کشت، [موسی] گفت: آیا جان پاکی(بی گناهی) را بی آنکه کسی را کشته باشد کشتی؟ براستی کاری زشت و ناشایسته کردی.

گفت: آیا تو را نگفتم که همراه من نتوانی شکیبایی کرد؟

گفت: اگر از این پس تو را از چیزی بپرسم با من همراهی مکن که از سوی من هر آینه به عذری رسیده ای- در ترک مصاحبت من معذور باشی.

پس برفتند تا چون به مردم شهری رسیدند از مردمش طعام خواستند، ولی از مهمان کردن آنها سر باز زدند، آنگاه دیواری یافتند که می خواست فروریزد، پس آن را راست کرد، [موسی] گفت: اگر می خواستی در برابر این کار مزدی می گرفتی!

گفت: اینک جدایی میان من و توست. اکنون تو را به معنی و فرجام آنچه بر آن نتوانستی شکیبایی کرد آگاه می کنم.

ص: 16

اما آن کشتی از آن بینوایانی بود که در دریا کار می کردند. خواستم که آن را معیوب کنم زیرا در پیش راهشان پادشاهی بود که هر کشتی را به ناروا و ستم می گرفت.

و اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدیم که آنان را به سرکشی و کفر وادارد، از این رو خواستیم تا پروردگارشان به جایش آن دهدشان که به پاکی بهتر از او و به مهربانی- یا رعایت خویشاوندی- نزدیکتر از وی باشد. و اما آن دیوار از آن دو پسر یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی برای آنان بود و پدرشان مردی نیک بود، پروردگار تو خواست که آنها به نیرو و جوانی خود برسند و گنج خویش را بیرون آورند، از روی مِهر و بخشایشی از پروردگار تو، و من آن را از پیش خود نکردم.

این است تأویل- توضیح و تبیین حقیقت و راز و سرانجام- آنچه نتوانستی بر آن شکیبایی کرد.

ص: 18

ص: 19

و اما آنچه می آموزیم :

1-رفتن به سوی عالم، وظیفه متعلّم است، از این رو حضرت موسی (علیه السلام) به محضر استاد علم تاویل می شتابد :

"وَ إِذْ قالَ مُوسی لِفَتاهُ لا أَبْرَحُ حَتَّی أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَیْنِ أَوْ أَمْضِیَ حُقُبا"

2- هرچقدر متعلم، به ارزش و مرتبه معرفت آگاه تر باشد، اشتیاق و کوشش بیشتری از خود در این راه نشان می دهد و بنا را بر این می گذارد که هیچ مانعی نتواند او را از کسب علم و حضور در پیشگاه صاحبان دانش بازدارد، چنانکه موسی علیه السلام نیز مشتاقانه می فرماید:

"لا ابرَح حتی اَبلغ"

3- سفر حضرت موسی(علیه السلام) برای جستجوی گمشده اش، سفری مشقت بار بود، چنانکه خود حضرت که بدنی توانمند و پرقدرت داشت به این مطلب اشاره می کند که " لَقَدْ لَقِینا مِنْ سَفَرِنا هذا نَصَباً ". با اینکه خداوند قادر بر همه چیز است و حضرت خضر (علیه السلام) نیز می تواند به اذن پروردگار در هر جایی حاضر شود امّا حضرت موسی (علیه السلام) پس از طی مراحلی دشوار، موفّق به حضور در مدرسه این معّلم گرانقدر می شود.

4- طلب علم لازم است حتی اگر انسان ناگزیر شود راه رفته را برگردد، چنانکه حضرت موسی(علیه السلام) مسیر رفته را بازگشت تا به محل پیوستن ماهی به دریا برسد:" فَارْتَدَّا عَلی آثارِهِما قَصَصا".

5- بعد مسافت هرگز عذر مقبولی برای عدم رجوع متعلّم به عالم نیست، حضرت موسی(علیه السلام) نیز برای تلاش خود در جهت رسیدن به محضر عالم و بهره جستن از او، هیچ محدودیتی قائل نمی شود و می فرماید پیوسته می روم تا در هرکجا که پروردگار ارادهٔ فرمود به مطلوبم برسم گرچه طی مسافت و یا زمان بسیار بطلبد: " أَوْ أَمْضِیَ حُقُبا" .

6- حضرت موسی(علیه السلام) در برابر حضرت حق تسلیم محض بود، چنانکه وقتی ماموریت یافت برای تعلیم به نزد حضرت خضر (علیه السلام) برود نپرسید کجا بروم و تقاضا نکرد که حقیقت جریاناتی که در پیش است و حاصل و نتیجهٔ اینهمه تلاش و یا حتی آدرسی دقیق و مسیری راحت را به او نشان دهند، همینکه خداوند فرموده برو و نشانه ای گذاشته است کافی است تا عزم سفر کنی، آنجا که او بخواهد خضرراه را خواهی یافت.

7- شرایط تدریس را معلّم معلوم می کند نه متعلّم، و شاگرد باید معلم و شرایط او را همانطور که هست بپذیرد، همچنانکه حضرت خضر(علیه السلام) شرط مصاحبت و تعلم را تعیین نمود :

"قالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِی فَلا تَسْئَلْنِی عَنْ شَیْ ءٍ حَتَّی أُحْدِثَ لَکَ مِنْهُ ذِکْراً."

البته این بدان معنی نیست که اگر نقائصی در روش کار استاد وجود دارد، فهماندن آن به وی جایز نباشد بلکه بدان معنی است که هر استادی حق دارد در چارچوب عقل و شرع، روشی راکه خود صلاح می داند برای تدریس انتخاب کند و شاگرد نمی تواند شرایط تدریس را مطابق با سلیقه و تمایل خود تعیین کند فضلاً از اینکه بخواهد استاد را وادار به پذیرش شرایط خود کند.

8- حضرت موسی (علیه السلام) خود را در خدمت حضرت خضر (علیه السلام) قرار می دهد و به ایشان می گوید آیا اجازه می دهید من همراه و ملازمتان باشم تا از دریای علم شما چیزی دست مرا هم بگیرد. با این تواضع شدید، هم تقاضامندانه اجازه می گیرد هم همواره خود را شاگرد استاد معرفی می کند:

"قالَ لَهُ مُوسی هَلْ أَتَّبِعُکَ عَلی أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدا".

9- اگر شاگرد فقط به شنیدن اکتفا کند و به دنبال استاد حرکت نکند هرگز عالم نمی شود. حضرت موسی (علیه السلام) نیز ابتدا آمادگی خود را برای تبعیت و همراهی اعلان کرد: "أَتَّبِعُک"، سپس نوید سلوک در معیت حضرت خضر (علیه السلام) را دریافت کرد: "فَانْطَلَقا".

10- بخشی از علم به واسطه عمل:"اتَّبَعْتَنِی"، و بخشی به واسطه گفتار: "أُحْدِث" انتقال می یابد، هرچند برای کسی که رهرو طریق معرفت حق و اسرار آن باشد جنبه عمل بر جنبه گفتار می چربد و بخش اعظم علم را از طریق خوب عمل کردن و پایداری در این راه به دست می آورد.

11- حضرت موسی(علیه السلام) خود دو شرط شاگردی را "صبر" و "اطاعت" می شمرد و می داند بدون این دو ویژگی، علمی و نوری حاصل نمی شود:

"قالَ سَتَجِدُنِی إِنْ شاءَ اللَّهُ صابِراً وَ لا أَعْصِی لَکَ أَمْرا".

12- علم حضرت خضر (علیه السلام) عادی نبود اما فعل او عادی بود، با اینکه اگر اعمال او غیر عادی بودند صبر برای حضرت موسی (علیه السلام) آسان تر می شد، اما حضرت موسی (علیه السلام)باید دست پروردگار سبحان را در کار جریانات " عادی " عالم ببیند وبیابد:

"رَحْمَةً مِنْ رَبِّکَ وَ ما فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِی".

13- بسیاری از بی صبری ها، خشم ها، اعتراض ها وپرخاش ها و گله ها، حاصل جهل آدمی است: " کَیْفَ تَصْبِرُ عَلی ما لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْراً" جهل که درمان شود، قلب آرام می گیرد .

14- برای دریافت پاسخ برخی سؤالات، باید ظرفیت و تحمل دریافت جواب را در زمان مناسب در خود ایجادکرد والّا چه بسا شخص با انسان بزرگی مخاصمه کند و حتی علیه او اقدام کند که یقین به ولیّ بودن و عظمت شخصیت او دارد، همچنانکه حضرت موسی (علیه السلام) علیرغم علم به مقام استاد، هربار با ایشان مخاصمه کرد و معترضانه گفت:"لَقَدْ جِئْتَ شَیْئاً إِمْراً"، "لَقَدْ جِئْتَ شَیْئاً نُکْرا"، "لَوْ شِئْتَ لاتَّخَذْتَ عَلَیْهِ أَجْرا".

15- برای متعلّم علم شرع، تمام دستورات استادشرع و برای متعلّم علم تاویل، تمام دستورات استاد تاویل لازم الاجراست، هیچ مسئولیتی نباید در چشم او خوار و برای او کسرشأن باشد، حتی اگر ساختن دیوار مخروبه ای در برابر چشمان ناظر جماعتی متعجب باشد :

"فَوَجَدا فِیها جِداراً یُرِیدُ أَنْ یَنْقَضَّ فَأَقامَه".

16- شاگرد باید پابه پای استاد حرکت کند و هرجا کوتاهی کرد و عقب ماند جز خودش را سرزنش نکند، حضرت موسی (علیه السلام) نیز هربارکه متذکر تعهد خود می شد عذرخواهی می کرد و بار آخر نیز خود را مستحق کیفر سخت جداشدن خواند:

"قالَ إِنْ سَأَلْتُکَ عَنْ شَیْ ءٍ بَعْدَها فَلا تُصاحِبْنِی قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّی عُذْرا".

17- حضرت موسی (علیه السلام)، به خوبی آگاه بود بی طلبیدن إذن، حق سؤال ندارد، چه رسد که بر تقاضای خود اصرار ورزد و بخواهد هر سؤالی که می کند در هر موقعیت و زمانی، جواب دلخواه خود را دریافت کند: "فَلا تَسْئَلْنِی عَنْ شَیْ ءٍ حَتَّی أُحْدِثَ لَکَ مِنْهُ ذِکْرا".

18- حضرت موسی (علیه السلام) در تمام مدّت تعلیم، پاسخ هیچ سؤالی را دریافت نکرد؛ معلوم می شود اولین شرط شاگردی در مدرسه علم تاویل، تسلیم و رضاست: "لا أَعْصِی لَکَ أَمْرا".

19- همه جا حضرت موسی(علیه السلام) بود که به دنبال حضرت خضر(علیه السلام) حرکت می کرد "أَتَّبِعُکَ"؛ شاید یکی از رازهای فرمایش مربّیان دین برای حرکت متعلّم در عقب معلّم ، یادسپاری این ادب باشد.

20- شاگرد همواره به دستور استاد کار می کند امّا حقّی به گردن او از این جهت پیدا نمی کند، همانگونه که حضرت موسی (علیه السلام) برای همراهی خود با حضرت خضر خود را صاحب هیچ حقی جز آموختن- آنهم مطابق شروط استاد – ندانست: " أَتَّبِعُکَ عَلی أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدا".

21- حلم ورزی و حوصله کردن در کسب علم "سَتَجِدُنِی إِنْ شاءَ اللَّهُ صابِرا" و تلاش در به خاطرسپاری َآن "لا تُؤاخِذْنِی بِما نَسِیت"، از شروط ضروری برای تعلیم موفّق است.

22- نحوه تعلیم و مدت زمانی که متعلّم می تواند از استاد درس بگیرد، تنها به خواست و ارادهً شاگرد بستگی ندارد، بلکه به نشان دادن توان همراهی و میزان اطاعت زبانی و قلبی و عملی و لیاقت او نیز بستگی دارد. با علم به این مطلب است که حضرت موسی(علیه السلام) منصفانه می گوید:" إِنْ سَأَلْتُکَ عَنْ شَیْ ءٍ بَعْدَها فَلا تُصاحِبْنِی قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّی عُذْرا".

23- نمی شود به زور و با تحمیل از استاد چیزی گرفت که اگر چنین امری مقدور بود حضرت موسی (علیه السلام) هرگز دوره تعلیم نزد چنین استادی را به پایان نمی رساند.

24- عالم موظف به تعلیم جاهل است مگر معذور باشد، حضرت موسی (علیه السلام) با علم به این امر، به استاد عرض کرد اگر مجددا عهدم را فراموش کردم و نتوانستم عزم خود را بر این عهد استوار بدارم، می پذیرم که دیگر شما از تعلیم دادن به من معذور هستید و می توانید مرا ترک کنید: "إِنْ سَأَلْتُکَ عَنْ شَیْ ءٍ بَعْدَها فَلا تُصاحِبْنِی قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّی عُذْرا".

25- حضرت موسی(علیه السلام) بیش از آنکه لبخند و تشویق حضرت خضر (علیه السلام) را ببیند، جدیّت و دستور دادن و تکلیف استاد را دید.

26- کسی به حقیقت علم دست می یابد که در مقابل عظمت و حرمت علم و مقام عالم، ظاهراً و باطناً خاکسار باشد، حتّی اگر از انبیاء اولوالعزم و بنده برگزیده و خاصّ خداوند متعال باشد. ادب حضرت موسی(علیه السلام) برای فراگیری دانش، در تمام فراز های کلام ایشان جلوه دارد؛ چه آنجا که از علم استاد به عنوان یک علم الهی یاد می کند: "عُلِّمتَ"، چه آنجا که علم استاد را بسیار و خود را طالب دریافت گوشه ای از آن بسیار معرفی می کند:"مِمّا عُلِّمتَ"، چه آنجا که با آنکه اورا واسطه دریافت و انتقال علوم به اذن الهی می داند با بیانی ظریف و خاضعانه، از او تمنا می کند با من همانگونه رفتار کنیدکه خدا رفتار کرده است؛ او از سر کرم و لطف، از دانش خود روزی اتان فرموده است، شما نیز از سر لطف، به من بهره ای برسانید:

" تُعَلِّمَنِ مِمّا عُلِّمتَ"

27- اتخاذ وسیله برای تقرب به حضرت حق، حکم و خواست الهی است، از این رو حتی پیامبر عظیم الشانی چون حضرت موسی (علیه السلام) نیز برای رسیدن به مدارج بالاتر، به واسطه مربوط به آن مقام الهی، نیاز دارد.

28- رعایت حق تعلیم در مورد هر استادی به تناسب جایگاه و مقام او در نزد حق تعالی است. هرچقدر معرفت و آگاهی و تقوای استاد بیشتر، رعایت حرمت و اطاعت از او واجب تر است، با این وجود کمترین حقّ یک معلّم ساده، از بالاترین حقوق ها شمرده شده است.

29- فراگیری علم، مقدمهٔ عمل است لذا همواره باید شاگرد طریقت الهی، علم را به منظور پیاده سازی در مرحله عمل بیاموزد، چنانکه حضرت موسی از استاد خود تقاضا کرد به او عملی بیاموزد که هدف از آموختن آن، رشد و بالندگی و ارتقاء مرتبه بندگی باشد:"مِمّا عُلِّمتَ رُشداً."

30- اسرار عالم، عظیم و پیچیده و شگفت انگیز است و حساب و کتاب عالم بسیار دقیق. حتّی صاحبان علم لدّنی نیز راه طولانی ای برای دانش آموزی و فهم رموز دقیق و فراوان جهان خلقت در پیش دارند.

31- همه اجزاء عالم آفرینش دارای درک و شعور مخصوص به خود هستند، چنانکه حضرت حق در وصف دیوار مشرف به افتادن نفرمود دیوار داشت فرو می ریخت، بلکه فرمود دیوار می خواست و اراده کرده بود که فرو ریزد:

"فِیها جِداراً یُرِیدُ أَنْ یَنْقَض".

32- همه مقام عظیم علمی حضرت خضر(علیه السلام) از آنجا حاصل شد که او عبد محض خداوند بود: "فَوَجَدا عَبْداً مِنْ عِبادِنا"، لذا رحمتی خاص او را در برگرفت و صاحب علم لدنی شد:"آتَیْناهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنا وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْماً" زیرا که خداوند خود معلم اهل تقواست:

"اتَّقُوا اللَّهَ وَ یُعَلِّمُکُمُ اللَّه".

33- حضور در محضر ارزشمند علم، باید عابدانه و در جهت بندگی حضرت حق باشد، والا هرچند در اندوختن و جمع علوم متحمل رنج بسیارگردد، چنان چارپایی خواهد بود که بار سنگین بر پشت می کشد اما خود از آن هیچ بهره ای نمی برد: " کَمَثَلِ الْحِمارِ یَحْمِلُ أَسْفاراً ".

34- کسی می تواند مربی روح باشد که "عبدخدا" باشد، بنابراین اگر قرار است کسی به عنوان استاد تربیت کننده انسان انتخاب شود، باید به صفت "عبدخدابودن"شناخته گردد، چنانکه حضرت موسی (علیه السلام) نیز به تعلیم الهی، حضرت خضر (علیه السلام) را به همین عنوان می شناخت.

35- برای کسی که جویای علم است همه عالم یک مدرسه است، مدرسه ای با درس های فراوان و اشارات متعدد. شرط حضور و کسب درجه در عرصه رقابت های علمی این مدرسه، تنها یک چیز است: "عبودیت"، چنانکه درجه علمی استاد والامقام آن، تنها با یک عنوان معرفی می شود:"عَبْداً مِنْ عِبادِنا"؛ و چه بلند و رهگشاست کلام مولانا الصادق(علیه السلام) برای همه آنان که طالب ثبت نام در این مدرسه علمیه هستند آنجا که می فرماید: " فَإنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلاً فِی نَفْسِکَ حَقِیقَةَ الْعُبُودِیَّهِ "؛ "اگر علم میخواهی، باید در وهله اوّل در درون خودت حقیقت عبودیّت را بطلبی".

36- حضرت موسی (علیه السلام) هرگز از گفتن "نمی دانم" ابا و گریز نداشت، اگر هم به علمی رسید، ثمره اعتراف به "نمی دانم" بود:"أَنْ تُعَلِّمَن".

37- هرجا که خضری به موسایی برسد و او را محرم بیابد، به اذن خداوند متعال و به قدر استعداد و توان وی، پرده از قدرت علمی خود بر می دارد.

38- در پس هر ظاهری، باطنی است که نگاه های بلند در جستجوی آنند، چنانکه پیامبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) درک باطن و حقیقت وجود مخلوقات را از پروردگار عالم مسئلت می کند:"اللهم ارنی الاشیاء کما هی"؛ موسی نیز با اینکه اعلم امت خود به علم شریعت بود، به آنچه می دانست بسنده نکرد و در جستجوی حقایق پنهان، راه سفری دشوار را در پیش گرفت. سفری که نقطه آغازش، طلب عابدانه بود.

39- بیش از آنکه تلاش کنیم به خضرراه برسیم، باید تلاش کنیم با اوهمراه بمانیم.

40- همه دانش حضرت موسی(علیه السلام) به قدر حل یکی از معماهای حضرت خضر (علیه السلام)، بی اذن إلهی، کارآمد نیفتاد، این در حالی بود که آنچه حضرت موسی(علیه السلام) تحمّل دیدنش را نکرد، درس های کلاس اوّل این مدرسه بود، و به فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) اگر حضرت صبر می کرد چه عجایبی که از حضرت خضر (علیه السلام) مشاهده می نمود؛ چنانکه از امام باقر(علیه السلام) و امام صادق(علیه السلام) نیز روایت شده است:" اگر حضرت موسی صبر می کرد، آن عالم هفتاد حادثه شگفت انگیز به او نشان می داد،" و باز در روایت از نبی گرامی اسلام آمده است که خضر فرمود: "اگر موسی صبر می کرد هزار مورد برایش در نظر داشتم که نشانش دهم."

41- حضرت موسی (علیه السلام) اشتباه خود را علیرغم تکرار، کتمان یا فرافکنی نکرد، بلکه هربار پوزش طلبید و اجازه خود را تجدید کرد وإلّا به همان مقدار هم از او پذیرفته نمی شد.

42- شاگرد حق دارد در حد استعداد و طاقت و ظرفیتش ، درس یا توصیه دریافت کند، لذا حضرت خضر(علیه السلام) از ابتداء عدم استطاعت شاگرد خود را - با توجه به عدم تخصص وی در آن زمینه علمی- گوشزد می کند و پس از آن لزوم صبر را مکررا به او تذکر می دهد.

43- مخاصمه علما با داشتن سطح علمی و بینش متفاوت، امری مقبول و گاه ممدوح است، چنانکه غیرت ورزی حضرت خضر (علیه السلام) و حضرت موسی (علیه السلام) نسبت به فرمان پروردگار سبحان، هرکدام به شکلی بروز یافت ومنجر به مخاصمه عالمانه شد.

44- حضرت خضر (علیه السلام)، پرسشگری را حقّ شاگرد می دانست، لذا گرچه شرط حضور در مکتب خود را "عدم جواز سؤال" اعلان کرد امّا در عین حال جواز آن را مشروط به اجازه خود دانست و فرمود: وقتش که رسید به شما ذکر و یادکرد و پاسخ لازم را خواهم داد:

"فَلا تَسْئَلْنِی عَنْ شَیْ ءٍ حَتَّی أُحْدِثَ لَکَ مِنْهُ ذِکْرا".

45- نتیجه سوال نابجا، محرومیت از مصاحبتی بی نظیر بود: "فَلا تُصاحِبْنِی" و مبتلا شدن به درد عظیم جدایی: "هذا فِراقُ بَیْنِی وَ بَیْنِک".

46- شاگرد حق رنجیدن و توقع کردن نابجا از استاد وتعیین تکلیف کردن برای او (که چرا مثلا فلانجا اجری نطلبیدی ...)را ندارد و نمی تواند از سختی امتحان و نمره کم آوردن گله کند بلکه باید با عزم جدی تر، موانع موفّقیت خود را برطرف کند و به یاد داشته باشد که صبر و تحمل و خطاپوشی و گذشت استاد، حدی دارد.

47- جای پرسیدن سوال و نقد کلام،پس از پایان کلام متکلم است نه در اثنای درس:" فَلا تَسْئَلْنِی عَنْ شَیْ ءٍ حَتَّی أُحْدِثَ لَک".

48- رعایت انصاف هم بر استاد لازم است هم بر شاگرد؛ استاد باید حتی الامکان از خطاهای شاگرد بگذرد و بداند که سطح ادراک و دانش متفاوت، بر رفتار شاگرد اثر می گذارد، و باید به او مهلت جبران دهد مگر شروط و حقوق تعلیم نادیده گرفته شود. شاگرد هم باید بداند اینکه "چه زمانی"، "چه علمی"، "با چه شیوه و کیفیتی" به او برسد به تشخیص استاد است و عجله و دست و پا زدن نابجا و پرسش گری های افراطی به جای تأمّل و تعمّق و تحمل، فقط فرصت ها را از او می گیرد.

49- حضرت موسی(علیه السلام) و شاگردش، هردو حضرت خضر(علیه السلام) را دیدند، اما تنها حضرت موسی(علیه السلام) از محضر ایشان بهره مند شد؛ عده کثیری به دیدار عالم نائل می شوند اما از محضر عالم تنها عده قلیلی نصیب می برند.

50- حضرت موسی(علیه السلام) مسئولیت خطای خویش را بر عهده گرفت و مجازات سنگین مفارقت را در صورت تکرار برای خود مقرر کرد:

"قالَ إِنْ سَأَلْتُکَ عَنْ شَیْ ءٍ بَعْدَها فَلا تُصاحِبْنِی قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّی عُذْراً".

51- بعضی خطاها به ظاهر توجیه شده اند و گریزی از آنها نیست، اما چه بسا منجر به محرومیت دائمی شوند و شخص از دانش عظیمی برای همیشه محروم شود.

52- بودن در متن درس و دریافت دستورات عملی و حضوری، با دستی از دور در آتش داشتن خیلی فرق دارد. ورود به میدان عمل، همراه با فراز و فرودهای هیجانی است و هیجانات و عواطف اگر به موقع و به خوبی مهار نگردند سدّراه رشد و بلکه عامل عقب گرد می شوند چنانکه شدت هیجان ناشی از غیرت ورزی موسی(علیه السلام) درراه حق، میثاق معهود را از یاد او برد و تنها وقتی متوجه شد که استاد با حفظ آرامش و وقار، بی تاثیر گرفتن از آنهمه خشم و رنج، مطلب را به وی متذکر شد.

53- انسان حقیقت جو، تا به مرشد و راه بلد خود نرسیده، نباید متوقف شود:

"وَ إِذْ قالَ مُوسی لِفَتاهُ لا أَبْرَح".

54- تا کسی موسی گونه نباشد، طالب حقیقی حضرت خضر(علیه السلام)نخواهد بود، و چه بسا اگر روزی حضرت خضر(علیه السلام) از کنار خانه او عبور کند و از او ضیافت و همیاری طلبد، غافلانه اجابت نکند و از کمترین پذیرایی و همنشینی و بهره بردن از محضر او بی بهره ماند:

"فَانْطَلَقا حَتَّی إِذا أَتَیا أَهْلَ قَرْیَهٍ اسْتَطْعَما أَهْلَها فَأَبَوْا أَنْ یُضَیِّفُوهُما".

55- اگر حضرت خضر (علیه السلام) از ابتدا می گفت که تمام کارها را به امر خدای سبحان انجام می دهد"ما فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِی"، حضرت موسی(علیه السلام) هرگز سوالی نمی پرسید، درحالی که حکمت خدا اقتضا می کرد سوال پرسیده شود وپاسخ نیز در نهایت دریافت گردد تا برخی از اسرار تقدیر بر حضرت موسی (علیه السلام) معلوم گردد:

" ذلِکَ تَأْوِیلُ ما لَمْ تَسْطِعْ عَلَیْهِ صَبْرا".

56- آنجا که برای بهره رساندن به کسی، اظهار علم و مقام خود لازم می آید، کتمان و انکار مقام علمی بر عالم جایز نیست.

57- فوق هر دانشی که انسان کسب کرده است دانش های بالاتر و والاتری وجود دارند، و فوق هر دانشمندی، دانشمندتری. شاگردی و علم آموزی هرگز سن و سال و شان و رتبه نمی شناسد و حد و انتها و نقطه پایان ندارد چنانکه علم پایانی ندارد، لذا طلب علم حتی بر پیامبر اولوالعزم واجب است.

58- زنده شدن ماهی و برگشت آن به آب به عنوان علامتی برای یافتن عالم (طبق برخی روایات)، شاید اشاره به قدرت احیاکنندگی علم داشته باشد، چرا که علم، آب حیات است و نفس عالم، مسیحایی و حیاتبخش.

59- جایی که ماهی به آب یعنی وطن اصلی خود برگشت و خود را در جایگاهی که برای قرار گرفتن در آن آفریده شده بود افکند، میقات موسی (علیه السلام) بود:" ذلِکَ ما کُنَّا نَبْغِ".

60- هرجا که نشانی از معرفت هست، علائم حیات و سبزی و سرزندگی و خرم دلی هم هست. بدون سبزینه ی معرفت، دل، پژمرده و خاموش شده، در وادی ظلمت ها می میرد. در روایت آمده است که اعجاز خضر(علیه السلام) این بود که بر هیچ زمین بی آب و علفی قرار نمی گرفت مگر آنکه سرسبز می گشت و بر هیچ تخته خشکیده ای نمی نشست مگر آنکه سبز می شد. فردی با این ویژگی، به عنوان صاحب علوم الهی و معلّم برجسته آن معرفی می شود تا همه بدانند و بفهمند که علم است که به قلب و جان آدمی رنگ و بو و آثار حیات می دهد.

61- جدایی اهل ظاهر و اهل باطن در دنیا، امری اجتناب ناپذیر و حتمی است: "فِراقُ بَیْنِی وَ بَیْنِک".

62- بنا به تکلیف شرعی، حضرت موسی(علیه السلام) هرگز نمی توانست وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند مگر وقتی که باور می کرد آموختن حکمت های الهی در نزد عالم واصل به باطن، معروفی بالاتر است.

ص: 51

63- آموزش و درک علوم، همواره با موانع بسیاری همراه است اما هر چقدر موانع بلندتر، سطح اوج گرفتن نیز بالاتر می رود.

64- عذر خواهی های مکرر از ضعف هایی خبر می دهد که باید با جدیت و مراقبت در رفع آنها کوشید وگرنه چه بسا منجر به تلخکامی های سختی شود.

65- در قضاوت بویژه وقتی با حکما و اهل معرفت طرف هستیم، و نیز در تحلیل رویدادهای زندگی خود و دیگران عجله و شتاب نورزیم که گاه نتایج جبران ناپذیری به بار می آورد.

66- ادب بندگی حضرت خضر(علیه السلام) اقتضا می کرد هرجا تخریب و قتل و ضرر بود به بنده نسبت دهد، و هرجا رحمت و مهر و لطف، به حضرت حق؛ متعلم نیز باید ضعفها و کاستی ها و ظلمت ها را از ناحیه خود، و موفقیت ها و رتبه گرفتن ها را از ناحیه حق تعالی بداند تا نور علم، در فضای سینه ی او تابنده شود و برای او باقی مانده، بر آن افزوده گردد.

67- آموزش علوم باید تدریجاً و مرحله به مرحله انجام گیرد تا ظرفیت لازم همراه با توانمندسازی برای رفتن به مرحله بالاتر فراهم گردد و فرصت تحلیل و تعمیق در جان و عمل به آموزه ها و محاسبه نیتها و اعمال، در اثر عجله در انباشتن محفوظات از دست نرود چنانکه آموزش های الگوی برجسته تعلیم در قرآن، حضرت خضر(علیه السلام) نیز تدریجی و گام به گام بود.

68- خداوند، بنده پرور است و بنده نواز؛ چه امر کند که ساخته ای را بشکنند چه فرمان دهد که شکسته و فروریخته ای را از نو بنا کنند، متناسب با صلاحدید او برای بنده خویش است. حال که چنین است، در شناخت و ادای وظایف بندگی بکوش که هر چه در زندگی به تو می رسد خیر محض و رحمانی و ربّانی است؛ و این متعالی ترین و راهگشاترین دانش زندگی است.

69- حضرت خضر (علیه السلام) همه جا اصلاح کرد و افعالش تماما تجلی مهرورزی خداوند نسبت به بندگان بود. حتی قتل آن کودک نیز نه برای انتقام گرفتن و عذاب کردن که برای رساندن رحمت و نجات از عذاب دنیا و آخرت بود:"فَأَرَدْنا أَنْ یُبْدِلَهُما رَبُّهُما خَیْراً مِنْهُ زَکاهً وَ أَقْرَبَ رُحْما".

70- حضرت موسی(علیه السلام) زمانی درد مفارقت را تجربه کرد که از حضرت خضر(علیه السلام) درخواست کرد کاش برای کاری که کردی مزدی طلب می کردی:" قالَ لَوْ شِئْتَ لاتَّخَذْتَ عَلَیْهِ أَجْراً" اینجا بود که حضرت خضر(علیه السلام) فرمود: "هذا فِراقُ بَیْنِی وَ بَیْنِک" ؛ از این لحظه به بعد، بین من و تو جدایی افتاد.

71- قدم اول در مسیر درک علوم باطنی را وقتی بر می داری که بفهمی هرچه او اراده کند، همان می شود: "إِنْ شاءَ اللّٰه".

72- اگر به تعلیم الهی نبود، هرگز حضرت موسی، خضر را نمی شناخت و حتی اگر او را می دید از دانش ویژه او بهره ای نمی برد. خداست که می داند دوای درد هر نیازمند کجاست، و اوست که همه آدرس ها را در اختیار دارد. نشانی خضر دست خداست، رساندن موسی به خضر نیز کار خداست، همه علوم و دستگیری های خضر نیز از آن خداست. آنکه این حقایق را لمس کرده، بفهمد، همه آدرس ها بجز آدرس خدا را پاره می کند.

73- اگر انسانی صالح باشد خداوند یکی از پاداش های اورا دستگیری خضرها از فرزندانش قرار می دهد:

"وَ کانَ أَبُوهُما صالِحاً فَأَرادَ رَبُّکَ أَنْ یَبْلُغا أَشُدَّهُما وَ یَسْتَخْرِجا کَنزَهُما رَحْمَةً مِنْ رَبِّک".

74- بی صاحب و بی پناه، یتیمی نیست که بابا ندارد، بی پناه کسی است که خداوند، نظر مهر خود را از روی او برداشته است. یتیمان و بی پناهانی که نظر لطف خدا بر آنان تعلّق می گیرد، گرچه تکیه گاه ها و دیوارهای زندگیشان در معرض تخریب روزگار و اهل آن قرار بگیرد، پیامبران و اولیاء و جنود حق مامور می شوند خرابی ها را برایشان مرمت و جبران کنند تا هرگز در زندگی بی تکیه گاه نمانند.

75- حضرت خضر(علیه السلام)، با اعمال خود، سه حکمت از جریانات زندگی حضرت موسی(علیه السلام) را برای او تداعی و رمزگشایی کرد:

بدان؛

هرگاه خداوند اراده کند، کشتی شکسته را حفظ می کند چنانکه روزی صندوقچه کوچک حامل نوزاد افتاده در رود نیل را حفظ کرد تا به مقصد رساند.

خداوند خیر را به دست اولیاء خود اعمال می کند چنانکه روزی فرعون صفتی از دشمنان خود را به دست ولی خود موسی، به قتل رساند حال آنکه واجب القتل بودن او در نظر مردم معلوم نبود.

خداوند اجر صالحان را فراموش و ضایع نمی کند چنانکه روزی موسی برای دختران عبدصالح خدا حضرت شعیب(علیه السلام)، از چاه آب کشید و در ازاء آن اجری نطلبید.

(برگرفته از سخنان حضرت آیهَ الله جوادی آملی حفظه الله تعالی)

76- سه راز ولایت که به دست خضر (علیه السلام) افشا شد:

جائی که کشتیبانی عالم دست خداست، چه باک اگر قایق های کوچک دنیایی اتان در میان طوفان امواج روزگار غرق شود، حال آنکه در پی آن نجات بزرگ تری خواهد بود؛

جائی که حیات بخشی عالم دست خداست، چه باک اگر نفس خوش ظاهر و محبوب امّا فریبکار و خائنتان در راه خدا قربانی شود، حال آنکه در پی آن حیات والاتر و عالی تری خواهد بود؛

جائی که قوام و حفظ عالم دست خداست، چه باک اگر دیوار ناپایدار آرزوها و بنای نااستوار داشته هایتان فروریزد، حال آنکه در پی آن ظهور گنجینه ای ناب تر و ماندگارتر خواهد بود.

77- یافتن نعمت، مقدمه دریافت برکات آن است و این تنها مقدور کسانی است که خود را برای درک نعمت "مستطیع" کرده اند، اگرکسی نعمت شناس نبود، قدرشناس هم نخواهد بود، و وقتی قدر نعمت آنگونه که شایسته است دانسته و رعایت نشود، گاهی موقت و گاهی برای همیشه از دست می رود.

78- خداوند متعال به کسانی که طالب دانستن هستند می فرماید:" فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لا تَعْلَمُون". زمانی که حضرت موسی (علیه السلام) نیز تمنای"عَلم"می کند" تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ"، در پاسخ از حضرت خضر (علیه السلام) "ذکر" دریافت می کند" أُحْدِثَ لَکَ مِنْهُ ذِکْرا ".

79- وجود دستگیران و راهنمایان طریق حقیقت، از بزرگ ترین و گرانسنگ ترین انعام ویژه الهی است که اگر استطاعت همگام شدن با آنها را به دست نیاوریم و صبورانه و فرمان برانه در پشت مقام آنان حرکت نکنیم، بی راهنمایی آنان، هم از راه می مانیم، هم در بیر اهه های ظلمت، محروم از رحمت بی انتهای خدای رحمان گرفتار می آییم. آنگاه از داشتن هر نعمت دیگری چه سود، آنجا که خود را در میان از راه جاماندگان و گمگشتگان بیابیم و بدانیم برای همیشه، بین ما و بین پاکان واصل جدایی افتاده است، و از همه اینها دشوارتر، پروردگار ارحم الراحمین، ما را به خودمان واگذاشته، دیگر چنین بنده ای را نمی خواهد، چنانکه در دعای حضرت خضر، از زبان امیرالمومنین، سالار اهل طریقت و شاه ولایت می خوانیم:

"فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِی فِی اَلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِکَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِی وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِکَ وَ فَرَّقْتَ بَيْنِی وَ بَيْنَ أَحِبَّائِکَ وَ أَوْلِيَائِکَ فَهَبْنِی يَا إِلَهِی وَ سَيِّدِی صَبَرْتُ عَلَی عَذَابِکَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَی فِرَاقِکَ وَ هَبْنِی صَبَرْتُ عَلَی

حَرِّ نَارِکَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَی كَرَامَتِکَ".

80- هر راهنمایی به قدری که مسیر را می شناسد راه بلدی می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) مظهر اسم اعظم و واجد بالاترین علوم الهی و دستگیر همه نیازمندان عالمند. اگر امت پیامبر خاتم، قدر شناس این بزرگترین جلوه های رحمت و دستگیره های هدایت باشند، به اقیانوس بی پایانی از کرامت الهی و نورلایتناهی متصل می گردند که هرچه از آن بخواهند، می یابند؛ مرحمتی و موهبتی که بالاتر از آن در تصور نمی گنجد.

بارالها ما را با این بهترین رفیقان طریق، همراه و همگام فرما همچنانکه خود فرمودی:

"وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِکَ مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً * ذلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ کَفی بِاللَّهِ عَلِیما".

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109